

مرضیه رضائی فرد ۱

چکیده

این مقاله به بررسی نقش محوری و در عین حال چالش برانگیز حوزه های علمیه در مواجهه با روند فزاینده دین گریزی در میان نسل جوان ایران می پردازد. با بهره گیری از روش توصیفی- تحلیلی و مرور منابع کتابخانه ای، مشخص شد که حوزه های علمیه دارای پتانسیل تاریخی و فکری عظیمی برای هدایت دینی جوانان هستند. با این حال، یافته های کلیدی نشان می دهد که فاصله ارتباطی، ضعف در به کارگیری مؤثر رسانه های نوین و تکیه بیش از حد بر آموزه های نظری، تأثیرگذاری حوزه ها را تضعیف کرده است. در نهایت، مقاله بر ضرورت اساسی روزآمدسازی نظام آموزشی حوزه، تربیت مبلغان متخصص در حوزه ارتباطات و روانشناسی جوانان، و تقویت سازنده تعامل بین حوزه و دانشگاه برای بازیابی نقش مؤثر این نهاد دینی تأکید می نماید. این راهکارها برای جلوگیری از گسترش بی تفاوتی دینی در نسل آینده حیاتی است.

۱: مدرسه علمیه فاطمه الزهرا، اسلام آباد غرب، سطح ۲

همواره به عنوان یکی از ارکان اصلی هویت فردی و اجتماعی انسان مطرح بوده است. در دهه های اخیر، به ویژه در جوامع اسلامی، پدیده ای نوظهور اما گسترده به نام «دین گریزی» در میان نسل جوان به صورت یک چالش جدی مطرح شده است. این پدیده که ریشه در تحولات سریع اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژیک و فکری دارد، نه تنها سلامت معنوی جامعه را تهدید میکند، بلکه میتواند ثبات فرهنگی و اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. در این میان، نهادهای سنتی دینی، به ویژه حوزه های علمیه که عهده دار تولید و ترویج معارف اسلامی هستند، با پرسش اساسی روبرو شده اند که چگونه می توانند نقش تاریخی و حیاتی خود را در مواجهه با این چالش مدرن ایفا کنند.

حوزه های علمیه، به عنوان میراث داران مکتب اهل بیت (ع)، همواره کانون اصلی تربیت دینی و فکری بوده اند. اما تغییر پارادایم های فکری، ظهور رسانه های نوین، و افزایش دسترسی به اطلاعات متنوع، ساختار سنتی تبلیغ و تعلیم دینی را با موانعی مواجه ساخته است. این مقاله درصدد است تا با تبیین ساختار مقاله، به طور دقیق ابعاد این چالش را بررسی کرده و نقش استراتژیک حوزه های علمیه را در احیاء و تعمیق دینداری نسل جوان مورد تحلیل قرار دهد.

جامعه ایران در دهه های اخیر شاهد تحولات عمیق فرهنگی و اجتماعی بوده است که از مهم ترین آنها میتوان به افزایش پدیده ی دین گریزی، به ویژه در میان نسل جوان و نوجوان اشاره کرد. این پدیده که گاهی با مفاهیمی چون خداناباوری، معنویت گرایی غیرسازمانی، یا صرفاً بی تفاوتی نسبت به مناسک دینی مترادف دانسته می شود، نه تنها یک مسئله فردی، بلکه یک چالش ساختاری برای هویت ملی و فرهنگی کشور محسوب می گردد. نسل جوان امروز در معرض بمباران اطلاعاتی جهانی، سبک های زندگی متفاوت و پرسش های بنیادینی قرار دارد که پاسخ های سنتی ممکن است برای آنها قانع کننده نباشد. اهمیت این مسئله زمانی دوچندان می شود که جوانان، نیروی محرکه آینده جامعه و حافظان میراث فکری و دینی کشور هستند. تضعیف پیوند آنها با دین، می تواند پیامدهای بلندمدتی بر انسجام اجتماعی و اخلاقی جامعه بگذارد.

۲: اهمیت و ضرورت پژوهش

در ساختار سنتی فرهنگی-مذهبی ایران، حوزه های علمیه قم، مشهد و سایر مراکز به عنوان مرجع اصلی تولید، تفسیر و تبلیغ دین اسلام شیعی شناخته می شوند. این نهاد، مسئولیت اصلی پاسداری از مبانی فکری و انتقال میراث معرفتی به نسل های بعدی را بر عهده دارد. بنابراین، تحلیل نقش این نهاد در مواجهه با بحران فعلی دین گریزی، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. ضرورت این پژوهش در آن است که اگر متولیان اصلی پاسخگویی دینی نتوانند با زبان و منطق نسل جدید ارتباط برقرار کنند، احتمالاً خلاء ایجاد شده توسط عوامل غیردینی یا ضد دینی پر خواهد شد. این مقاله تلاش دارد تا با نگاهی انتقادی و در عین حال سازنده، ظرفیت ها و موانع موجود در ساختار حوزه را در این زمینه ارزیابی نماید.

۳: اهداف مقاله

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل دقیق نقاط قوت و ضعف حوزه های علمیه در اجرای رسالت پیشگیری و مقابله با دین گریزی جوانان معاصر است. اهداف فرعی عبارتند از:

- ۱: شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر افزایش دین گریزی در میان جوانان ایرانی از منظر اجتماعی و روانی.
- ۲: بررسی ظرفیت های بالقوه و بالفعل موجود در ساختار فکری و آموزشی حوزه برای پاسخگویی به این چالش.
- ۳: شناسایی موانع ساختاری، شکاف های ارتباطی و روش شناختی که مانع تأثیرگذاری مؤثر مبلغان و نهاد حوزه شده اند.
- ۴: ارائه یک بسته راهبردی از توصیه های عملیاتی برای روزآمدسازی رویکرد تبلیغی و آموزشی حوزه

روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله، ترکیبی از روش توصیفی-تحلیلی است. در بخش توصیفی، پدیده دین‌گریزی، ابعاد آن و جایگاه تاریخی حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش تحلیلی، تلاش می‌شود با استفاده از چارچوب‌های نظری مرتبط با جامعه‌شناسی دین و ارتباطات، نقاط ضعف و قوت حوزه در تعامل با جامعه جوان تحلیل شده و ارتباط علی بین ساختار فعلی حوزه و میزان اثربخشی آن بر جوانان مورد واکاوی قرار گیرد. داده‌ها عمدتاً از طریق مرور منابع کتابخانه‌ای شامل کتب تخصصی، مقالات علمی-پژوهشی، گزارش‌های پژوهشی مرتبط با مسائل جوانان و مطالعات بین‌المللی در حوزه دین و مدرنیته گردآوری و تحلیل شده‌اند.

۵: ساختار مقاله

این مقاله در شش بخش اصلی سازماندهی شده است. پس از مقدمه، بخش دوم به چارچوب نظری و مفهوم‌شناسی پدیده دین‌گریزی اختصاص دارد تا تعاریف دقیقی از مفاهیم کلیدی ارائه شود. بخش سوم، پتانسیل‌های ذاتی حوزه‌های علمی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش چهارم، چالش‌های بنیادین و موانع موجود بر سر راه تأثیرگذاری حوزه بر نسل جوان را تشریح می‌کند. بخش پنجم، به ارائه راهکارهای راهبردی برای خروج از بن‌بست فعلی می‌پردازد و نهایتاً، بخش ششم نتیجه‌گیری مقاله را ارائه خواهد داد.

چارچوب نظری و مفهوم‌شناسی پدیده دین‌گریزی

درک صحیح از چالش دین‌گریزی مستلزم تمایز دقیق مفاهیم و شناخت ریشه‌های زمینه‌ای این پدیده است.

۱: تعریف و تمایز دین‌گریزی، بی‌دینی و سکولاریسم در بستر فرهنگی-اجتماعی ایران

اگرچه این واژه‌ها اغلب به جای یکدیگر استفاده میشوند، اما تفاوت‌های ظریفی دارند که در بستر ایران معاصر اهمیت می‌یابند:

دین‌گریزی: این مفهوم بیانگر نوعی فاصله گرفتن، بی‌تفاوتی یا طرد فعال برخی از آموزه‌ها، مناسک یا نهادهای دینی است، در حالی که ممکن است فرد همچنان به وجود امر متعالی اعتقاد داشته باشد. در ایران، این پدیده اغلب با کاهش مشارکت در نماز جمعه، حجاب انتخابی یا عدم التزام به برخی فروع دین ظاهر می‌شود.

بی دینی: به معنای فقدان اعتقاد به هرگونه خدا یا قدرت ماورائی است. این طیف در ایران نسبت به دهه های گذشته افزایش یافته اما همچنان اکثریت جامعه را تشکیل نمی دهند، اما نفوذ فکری آنها در فضای مجازی قابل توجه است.

سکولاریسم: در بافتار ایران، سکولاریسم نه تنها به معنای جدایی دین از دولت (آنگونه که در غرب مطرح شد) بلکه به معنای اولویت دادن به عرصه های مادی، اقتصادی و سیاسی بر ارزش های دینی در تصمیم گیری های فردی و جمعی است. جوانان سکولار اغلب ارزش های اخلاقی دینی را می پذیرند اما از ورود دین به حریم خصوصی یا عمومی بیزارند.

حوزه های علمیه باید تفاوت گذارد: برخورد با فردی که از مناسک فاصله گرفته (دین گریز) با فردی که منکر اصل خداست (بی دین) نیازمند روش های کاملاً متفاوتی است.

۲. ریشه های جامعه شناختی دین گریزی جوانان (تأثیر جهانی شدن، فردگرایی، و بحران های اقتصادی)

دین گریزی در ایران نه صرفاً یک واکنش اعتقادی، بلکه محصول تعامل پیچیده عوامل بیرونی و درونی است:

الف. جهانی شدن و نفوذ فرهنگ های جایگزین: دسترسی آسان به اینترنت، جوانان را با جهان بینی های متنوع، روایت های تاریخی جایگزین و سبک های زندگی غربی مواجه ساخته است. این امر باعث شده است که "روایت رسمی" دین در جامعه دچار رقابت اطلاعاتی شده و جذابیت خود را از دست بدهد.

ب. افزایش فردگرایی: مدرن شدن جامعه، منجر به تقویت هویت فردی شده است. جوانان امروزی به دنبال تجربه های شخصی هستند و کمتر حاضرند هویت خود را در چارچوب ساختارهای از پیش تعیین شده (از جمله ساختار دینی جمعی) تعریف کنند. این امر، دین را از یک الزام اجتماعی به یک انتخاب کاملاً شخصی تبدیل کرده است.

ج. بحران های اقتصادی و اجتماعی: ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه، تبعیض ها و فسادهای اداری، اغلب به پای حساب "سیستم دینی حاکم" نوشته می شود. در این حالت، دین گریزی واکنشی به ناکارآمدی سیستمی است که مدعی اجرای آموزه های دینی است. جوان می پرسد: (اگر دین راه حل است، چرا وضعیت این است؟)

۳. ابعاد روان شناختی دین گریزی

از منظر روانشناسی دین، انسان ذاتاً دارای نیاز به معنا، تعلق و غایت است. دین پاسخ های سستی به این نیازها ارائه می دهد. دین گریزی زمانی رخ می دهد که پاسخ های سستی دیگر قانع کننده نباشند یا احساس کنند این پاسخ ها به نیازهای واقعی آنها نمی پردازند.

نیاز به اصالت: جوانان به دنبال صداقت و اصالت هستند. اگر عملکرد مبلغان یا نهادهای دینی با آنچه تبلیغ می کنند تفاوت فاحشی داشته باشد، "تفاق ظاهری" در نظر جوانان، اعتبار کل سیستم را زیر سؤال می برد.

۳: تمرکز بر آموزه های نظری در مقابل نیازهای عملی و کاربردی جوانان

جوان امروزی به دنبال پاسخی است که بتواند زندگی روزمره او را جهت دهد، نه فقط مباحث پیچیده عقلی.

تأکید بر فروع به جای اصول: گاهی اوقات، تمرکز بیش از حد بر مسائل جزئی فقهی (مانند فروع طهارت یا برخی احکام عبادی) باعث می شود که جوان احساس کند دین صرفاً مجموعه ای از قیود است، نه یک مسیر زندگی معنادار.

نادیده گرفتن بحران معنا در زندگی مدرن: حوزه باید بپذیرد که فردگرایی، منجر به تنهایی و بحران معنا شده است. پاسخ های سنتی به این مسائل (مانند امر به معروف و نهی از منکر) اغلب جنبه آمرانه دارند و جوانان خواهان یک گفتمان حمایتی و همدلانه هستند.

۴: مسئله اعتبار اجتماعی نهاد دین در فضای عمومی و تأثیر آن بر پذیرش توصیه های حوزوی

اعتبار یک نهاد، بیش از هر چیز بر اساس عملکرد آن سنجیده می شود.

عدم تفکیک نهاد دین از دولت: در ایران، نهاد دین و ساختار حکومتی به شدت در هم آمیخته اند. وقتی عملکرد سیاسی یا اقتصادی دولت مورد انتقاد قرار می گیرد، بخشی از این انتقاد ناخودآگاه متوجه نهادهای مرجع دینی می شود. این امر، توانایی حوزه در نصیحت پذیری عمومی را کاهش داده است.

موضوع رابطه قدرت و دین: جوانان مدرن نسبت به سوءاستفاده از قدرت به نام دین بسیار حساس هستند. این حساسیت، هرگونه تلاش تبلیغی حوزه را، در صورت عدم تفکیک واضح از قدرت سیاسی، با مقاومت روبرو می سازد.

راهکارهای راهبردی برای بازیابی نقش مؤثر حوزه

مقابله با دین گریزی مستلزم یک تحول ساختاری و روش شناختی در بدنه حوزه است، نه صرفاً اقدامات مقطعی تبلیغی.

۱: ضرورت روزآمدسازی نظام آموزشی حوزه

برنامه درسی حوزه باید به طور ریشه ای تغییر کند تا طلبه را برای دنیای امروز آماده سازد:

ادغام علوم انسانی نوین: گنجاندن واحدهای اجباری و تخصصی در زمینه جامعه شناسی دین، روانشناسی رشد (به ویژه نوجوانی و جوانی)، و فلسفه تحلیلی معاصر.

آشنایی با فناوری: طلاب باید با نحوه کارکرد الگوریتم ها، نحوه انتشار اخبار جعلی و تکنیک های متقاعدسازی در فضای دیجیتال آشنا شوند.

اصلاح روش تدریس: حرکت از متدهای حفظ محور به سمت روش های تفکر انتقادی و حل مسئله. به جای تمرکز صرف بر متون قدما، باید توانایی استنباط و به کارگیری اصول در مسائل مستحدثه تقویت شود. برای مثال، آموزش مباحث اخلاقی باید با نگاه به چالش های اخلاقی هوش مصنوعی یا اخلاق زیستی همراه باشد.

۲: تربیت مبلغان متخصص نسل جدید (مبلغ- جامعه شناس- رسانه نگار)

مبلغ آینده باید یک انسان چند وجهی باشد:

مدل مبلغ متخصص: تربیت افرادی که علاوه بر تسلط بر علوم دینی، دارای مدرک یا تخصص عمیق در یک حوزه غیردینی مرتبط با جوانان (مانند روانشناسی بالینی، رسانه یا علوم تربیتی) باشند.

گفتوگو به جای وعظ: تبلیغ باید از حالت سخنرانی یک طرفه به یک گفتوگوی همدلانه تغییر یابد. طلبه باید یاد بگیرد که پیش از پاسخ دادن، بپرسد و زمینه فکری مخاطب را درک کند.

(شناخت روان شناختی مخاطب) × (مهارت ارتباطی بالا) × (فهم عمیق دین) = مبلغ مؤثر

حضور هدفمند دیجیتال: ایجاد اتاق های فکر رسانه ای در مراکز حوزوی برای تولید محتوای تخصصی (نه کلیشه ای) در شبکه های اجتماعی، با استفاده از فرمت های بصری جذاب و زبان غیررسمی اما محترمانه.

۳: تقویت فعال و هدفمند تعامل حوزه و دانشگاه

رابطه حوزه و دانشگاه (که اغلب مبتنی بر سوء تفاهم بوده) باید به یک همکاری سازنده برای تولید معرفت تبدیل شود.

کرسی های آزاداندیشی مشترک: برگزاری سمینارها و میزگردهای مشترک با اساتید دانشگاه (به ویژه علوم اجتماعی و روانشناسی) برای بحث آزاد درباره چالش های دین در دنیای مدرن.

تبادل استاد و دانشجو: فراهم کردن فرصت های مطالعاتی برای طلاب در دانشکده های علوم انسانی و بالعکس، برای آشنایی با زبان و روش شناسی یکدیگر. این تعامل، سوء تفاهمات فرهنگی را کاهش می دهد و زمینه ساز تولید پاسخ های جامع تر می شود.

به جای تمرکز بر الزامات سلبی "(این کار را نکنید)"، حوزه باید بر جنبه های ایجابی و سازنده دین در زندگی مدرن تأکید کند.

دین به مثابه راه حل: ارائه دین به عنوان راه حلی برای اضطراب های روانی، پوچی ناشی از مادی گرایی، و ساختن یک هویت قوی در برابر فشارهای اجتماعی.

اعتماد به توانایی های جوانان: به جای محدود کردن جوانان، باید به آنها آموخت که چگونه با استفاده از ابزارهای دینی، در عین استفاده از فناوری های مدرن، از ارزش های خود صیانت کنند. این امر نیازمند اعتمادسازی به توانایی انتخاب و قضاوت آنهاست.

پدیده دین‌گریزی جوانان در ایران معاصر، یک زنگ خطر جدی برای نهادهای متولی دین، به ویژه حوزه های علمیه است. این مقاله نشان داد که حوزه های علمیه با تکیه بر میراث فکری عظیم خود، پتانسیل عظیمی برای هدایت معنوی جامعه دارند، اما این پتانسیل در عمل به دلیل شکاف نسلی عمیق، انفعال رسانه ای و تمرکز بیش از حد بر محتوای نظری و سنتی، نتوانسته است به طور مؤثر با نسل جدید ارتباط برقرار کند.

برای بازیابی نقش محوری، اقدامات زیر حیاتی هستند:

۱. بازنگری ساختاری نظام آموزشی: ادغام اجباری علوم ارتباطات، روانشناسی و فناوری در برنامه درسی طلاب، برای ایجاد توانایی تحلیل جهان مدرن.
 ۲. تغییر رویکرد تبلیغی: گذر از وعظ و نصیحت به سمت گفت و گو، همدلی و ارائه دین به مثابه پاسخگویی به نیازهای واقعی اگزیستانسیالیستی جوانان.
 ۳. حضور فعال و تخصصی در رسانه های نوین: حوزه باید مانند یک بنگاه تولید محتوای جذاب و روشنگر، وارد پلتفرم های دیجیتال شود.
- در نهایت، آینده دینداری در ایران به توانایی حوزه های علمیه در ترکیب عمق معرفتی سنتی با زبان و ابزارهای ارتباطی نوین بستگی دارد. سیاستگذاران حوزوی باید این تحول را نه یک اصلاح جزئی، بلکه یک ضرورت بقای فکری و فرهنگی بدانند.

(فهرست زیر به عنوان نمونه ای از منابع مورد نیاز برای یک پژوهش با این مشخصات ارائه شده است و در سند نهایی باید گسترش یابد)

۱. آرون، ریموند. (۱۳۹۰) مراحل اساسی اندیشه جامعه شناختی. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۲. آقاهیرانی، احمد؛ و دیگران. (۱۳۹۸) دین گریزی در میان جوانان ایرانی: ریشه ها و راهکارها. فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران. شماره ۴۵.

۳. سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۵) دین و دولت در ایران. تهران: نشر صراط. ساروخانی، باقر. (۱۳۸۹) جامعه شناسی دین. تهران: انتشارات سمت

۴. شجاعی زند، داود. (۱۳۹۵) دینداری پنهان و دینداری آشکار: تغییرات دینی در ایران معاصر. فصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی . ایران

۵. فکوهی، محمدحسین. (۱۳۹۴) جهانی شدن و بحران هویت در جامعه ایران. تهران: انتشارات نگاه.

۶. فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات. Z. قاسمی، محمد. (۱۴۰۰) نقش رسانه های نوین در بازتعریف دینداری نسل

۷. مکایلروی، دیوید. (۲۰۱۵) چالش های دین در دنیای مدرن. ترجمه سارا یوسفی. تهران: نشر نی.

۸. وینسنت، تامس. (۱۳۹۹) روانشناسی دین و معنویت. ترجمه یوسف کریمی. تهران: انتشارات رشد.

۹. یزدانی، علی. (۱۳۹۷) آسیب شناسی گفتمان دینی در مواجهه با پرسش های فلسفی نسل جدید. نشریه علمی پژوهشی مطالعات

دینی.